

اولف اکمن



محکوم به پیروزی

۱ - شما برای پیروزی، از خدا مولود گشته اید

"شما مرا بر نگزیدید بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هرچه از پدر با سم من طلب کنید بشما عطا کند." (یوحنا ۱۵: ۱۶)

اگر عیسا فرموده بود: "من آرزو دارم اگر برایتان ممکن است میوه آورید، چه خوب بود اگر می شد دید که بر درخت شما دو سیب روئیده است." در آن صورت این گفته صرفاً آرزویی بود که امکان داشت جامه ی عمل و حقیقت بپوشد. لیکن عیسا می فرماید: "من شما را برگزیدم." و این باعث می شود که جهنم بر خود بلرزد!

هیچ چیز برای شیطان ترسناک تر از این نیست که عیسا با قدرت می فرماید: "من تصمیم گرفته ام، چون من این را گفته ام؛ پس تو هیچ نمیتوانی بکنی. هیچ کس نمی تواند این را تغییر دهد.

من تصمیم گرفته ام که شما رفته و میوه هایی آورید که ماندگار باشد، نه میوه هایی که بپوسد و فاسد گردد. میوه هایی که دیده شوند، میوه هایی که همیشه بمانند، نه برای مدتی کوتاه، بلکه برای سال های متمادی. نه فقط میوه هایی کوچک، بلکه میوه های فراوان و بزرگ! تا در نتیجه آن پدر آسمانی جلال بیابد." (یوحنا ۱۵: ۸ و ۱۶ را ببینید.)

پیروزی و موفقیت سرنوشت شماست

شما و من فراخوانده شده ایم، تعیین گشته ایم تا میوه ی فراوان ببار آوریم. بسیار طبیعی است که یک درخت سیب میوه ی فراوان دهد. کاملاً عادی است که جوانه گندم ثمره ی فراوان آورد. و به همین شکل، کاملاً طبیعی است که شما و من در تمام زمین کثیر شده و با مسیح

سلطنت کنیم. ما برای همین منظور آفریده و خوانده شده ایم. "زیرا آنچه از خدا مولود شده است بر دنیا غلبه مییابد." (اول یوحنا ۵ : ۴) ما نه فقط به وسیله ی والدین خود به وجود آمده ایم؛ بلکه در وهله ی نخست توسط خدا آفریده شده ایم. ما دارای توانایی اندیشیدن در محدوده ای وسیع هستیم، اما اغلب فقط به آنچه در اطراف ما می گذرد فکر می کنیم. مهمترین مسأله این نیست که پدر و مادر ما چه کسانی بوده اند و پیشینه ی خانوادگی ما چیست. محوری ترین و با اهمیت ترین موضوع در زندگی ما این است که ما از خدا مولود گشته ایم.

خدا به ما حیات بخشیده و ما را فرزند خود گردانیده است. او انسان را به شباهت خویش ساخته است. شیطان تلاش کرده تا این تصویر را مخدوش و نابود سازد، لیکن در خلقت نوین - از طریق تولد تازه - انسانیت درونی ما دوباره در شباهت خدا ساخته و پرداخته می شود. این خلقت نوین در درون شماست که آن را نمی توان دید، ولی با چشم باطن مشهود است؛ این شخص جدید در شباهت خدا آفریده شده است. اگر شما از خدا مولود گشته اید، پس در درون خود کاملاً شبیه او هستید. شما فرزند او گشته اید. شما وارث طبیعت و ماهیت وی می باشید، و ویژگی های شخصی او در درون شما هم وجود دارد. ما فرزندان خدا هستیم و از او تولّد یافته ایم. کتاب مقدس می گوید که هر کس از خدا متولّد شود بر دنیا غلبه کرده است. این حقیقت پر جلال برای تعداد اندکی از برگزیدگان نیست، کاترین کولمن، بیلی گراهام و یا یک شبان موقّق که کتبی در رابطه با رشد کلیسا خوانده و یا قوانینی برای زندگی بهتر کشف کرده است، تنها کسانی نیستند که بر دنیا غالب آمده اند. خیر، هر کس که از خدای زنده متولّد شده است بر دنیا غلبه می یابد. هر

کس از خدا تولّد یافته؛ پیروز است.

پیروزی و پرهیزگاری

شما و من برای پیروزی و برنده شدن، از خدا مولود شده ایم. ما از او تولّد یافته ایم تا میوه آوریم، کثیر شویم، و در تمام دنیا گسترش یابیم. ما به دنیا آمده ایم تا از جلال به جلال منتقل شویم. شیطان از این تعلیم پیروزی و موفقیت، سخت نفرت دارد. او ذهن و فکر مسیحیان را با این عقیده مشوش کرده است که آنان باید در این یأس دائمی زندگی کنند، که پرهیزگاری در واقع توسری خور و زبون بودن است و این همان چیزی است باید توقع آن را داشته باشند. شیطان می گوید: "تو باید همیشه در نومیدی و یأس زندگی کنی. در جای خود بمانید تا از گرسنگی هلاک شوید و بالاخره همه شما حتماً به بهشت خواهید رفت." این یک دروغ آشکار و مستقیم از هاویه و جهنّم است.

در هیچ جای کلام خدا گفته نشده است که شما با مخالفت و تجربیات سخت و ناگوار روبرو نخواهید شد. لیکن شما نتیجه جنگ را نیز از دست نخواهید داد؛ صرفاً به این دلیل که بطور اتّفاقی مبارزه را کنار گذاشته اید. هیچ جا در کلام خدا گفته نشده است که حمله و دشمنی بر ضد شما صورت نخواهد گرفت. شما حتماً با این گونه مسائل روبرو خواهید شد. لیکن هنگامی که مورد حمله قرار می گیرید، و هنگامی که در جریان مبارزه قرار گرفته و شیطان سعی می کند به ضد شما بایستد، کتاب مقدس اعلام می دارد که شما باید مقاومت کنید. بسیاری از ما، زمانی که شریر به ضد ما برمی خیزد، پراکنده شده و فرار می کنیم، اما آنچه او سعی می کند بر علیه شما انجام دهد؛ دقیقاً همان چیزی است که شما باید بر ضد خود او اعمال کنید. شما آن شخصی هستید که باید

در مقابل شریر و شیطان و نه خدا، بایستید. هنگامی که این کار را می کنید، شیطان از شما می گریزد. (یعقوب ۴ : ۷) "او که در شما است بزرگ تر است از آنکه در جهان است." (اول یوحنا ۴ : ۴)

من به شباهت خدا آفریده شده ام. من یک شخص برتر را در درون خود دارم. من نمی دانم که چه شخصی در شما زندگی می کند، لیکن می دانم که چه کسی در درون من است! کسی که در درون من است؛ توانا تر از هر دولت، حکومت محلی، روزنامه ها، یا هر چیز دیگری است که می خواهد بر ضد من به پا خیزد. مهم نیست چه اسلحه ای مرا نشانه گرفته است، او که در من زندگی می کند از همه چیز قوی تر است.

در هر جنگ، و جنگی که ما هم اکنون در آن قرار داریم (نبرد روحانی ایمانداران مسیحی. مترجم.) طرف قوی تر همیشه برنده، فاتح و غالب است و آن شخص قوی تر در من زیست می کند. او با شما نیز هست. کتابمقدس می فرماید که اگر خدا با شماست، کیست که تواند در برابر شما بایستد؟

کیست که می تواند بر علیه شما بایستد؟ که می تواند بر علیه برگزیده خدا، کسانی که خدا عادل شمرده است، آتّه‌امی وارد نماید؟ کیست آن مدعی؟ "کیست که برایشان فتوی دهد. آیا مسیح که مرد بلکه نیز برخاست آنکه بدست راست خدا هم هست و ما را نیز شفاعت میکند." (رومیان ۸ : ۳۴)

بنابراین چه کسی ممکن است به ضد شما باشد؟ هیچکس! شما نیاز دارید در این مورد مکاشفه ای از خدا داشته باشید. روزهای در خانه نشستن و آرمیدن و به چیزهای پوچ فکر کردن گذشته است. این مربوط به زمان گذشته است. جنگی با شدت و خروشنده از تمام جوانب، در

جریان است. این امر بسیار با شکوه است زیرا در جنگ است که فرصت پیروزی بدست می آید. این وضعیتی است - چه شما دوست داشته باشید و چه دوست نداشته باشید - که شیطان بر علیه شما اعلان جنگ کرده است، او نه تنها بر علیه من، بلکه همچنین بر علیه شما نیز اعلان مخاصمه و جنگ کرده است! اگر شما بیشتر مایل به زندگی در صلح و صفا هستید، او به شما چنین اجازه ای را نمی دهد. به همین دلیل است که شما نیاز دارید تا بدانید آن که در شما زیست می کند توانا ترین است. او از هر کس دیگر قدرتمند تر است. مهم نیست چه سلاح هایی بر ضد شما متشکل شده اند، این سلاح ها کار آمد نیستند (اشعیا ۵۴ : ۱۷).

چرا؟ زیرا عدالت شما از خداست.

بوی خوش پیروزی

خدا در درون هر ایمان دار مسیحی، دانش و درکی همانند بوی خوش را به ودیعه گذاشته که پیروزی و موفقیت چیزی عادی و طبیعی است. این بخشی از ذات و اصلیت ماست. اگر این بوی خوش در دورن ما نباشد، ما ایمان دار نیستیم و تولد تازه نداریم. از همان لحظه که شما از سر نو مولود می شوید؛ خدا در روح شما و در انسانیت دورن شما، اطمینانی را قرار می دهد که پیروزی متعلق به شماست، اطمینانی بر این که شما فرا خوانده شده اید تا میوه ی فراوان آورید. در روح شما، صرف نظر از این که به کجا می روید، خدا قبلاً سر زمینی به شما بخشیده است، درست همان گونه که به یوشع وعده فرموده بود. (یوشع ۱ : ۳) این اطمینان در روح هر ایمان دار وجود دارد، و شیطان با تمام نیرو می کوشد تا شاید بتواند آن را پاک و محو سازد. او حتا شروع به ترسیم رسوم و عادات الهیاتی کرده است که این اطمینان و اعتماد را نابود

سازد. لیکن این حقیقت در هر ایمان دار تولد تازه یافته باقی خواهد ماند. این حقیقت درست در همان جا باقی است؛ این حقیقت در درون روح شما اندوخته و بارور گردیده است. این خداست که در درون شما وجود دارد. این مهر و اثر روح القدس بر روح شماست، و این اطمینان همیشه باقی خواهد ماند.

عیسا به پیروزی و موفقیت موعظه فرمود

یک بار من مهمان برنامه ی تلویزیونی فنلاندی بودم تا به برخی پرسش ها پاسخ دهم. مهمان دیگر برنامه یک استاد و پرفسور تاریخ مذاهب بود که مردی بسیار دوست داشتنی و مهربان بود. من مطمئنم که او تولد تازه را داشت. به نظرم می رسید که او مایه عذاب من خواهد بود و من باید اجباراً به پرسش های او پاسخ می گفتم. احساس می کردم خدا به من می گفت که به این برنامه بروم. هنگامی که به استودیو رسیدم، هر کسی مشغول و سرگرم کار خود بود و هنوز یک ساعت تا پخش زنده برنامه وقت باقی بود. خوبی برنامه های زنده ی تلویزیونی این است که نمی توان آنها را تدوین و یا احیاناً حذف کرد و این گونه برنامه ها مستقیماً تولید و پخش می گردند! من یک ساعت وقت داشتم و فیلم برداران فنلاندی بودند، پس بنابراین من نمی توانستم با آنها گفتگو کنم. در عوض من شروع به قدم زدن در اطراف استودیو پخش و محل اجرای برنامه کردم در حالی که به آهستگی به زبان های روح القدس صحبت می کردم. من خدا را برای مبل هایی که باید بر روی آنها می نشستیم شکر کردم. من خدا را شکر کردم که فرشتگان او در محل صحیح خود قرار گرفته بودند و نیز این که این گفتگوی تلویزیونی توسط خدا مسح و تقدیس گردیده بود. من همه جا را زیر حفاظت خون مسیح آوردم و خدا

را سپاس گفتم که این دوربین ها برای ضبط موعظه انجیل به کار گرفته می شوند. احتمالاً حاضرین تعجب کرده بودند که من در آن اطراف قدم می زنم و سرم را تکان می دهم. ناگهان خدا فرمود: "من با آن افراد شوخی کرده ام. آنان نمی دانند که واقعاً چه کار می کنند و چه بدست می آورند."

سپس برنامه شروع شد و من درخواست کردم و گفتم که ما فقط به انجیل موعظه می کنیم و بعد بسیار متعجب شدم. برنامه نوعی نمایش عادی و روزمره از زندگی بود، و دو دیدگاه دیگر که هر کدام پنج دقیقه و قبلاً عنوان شده بود، و من تقریباً نیم ساعت وقت داشتم تا با این پروفیسور و استاد الهیات گفتگو کنم، من هنوز هم نمی دانستم چه بر سر او آمده بود، لیکن به جای این که او به من حمله ور شود، آمد و کنار من نشست! هرگز در تمام عمرم پرسشی چنین سیاستمدارانه و در عین حال محترمانه نشنیده بودم. او این گونه آغاز کرد: "ما می دانیم که شما پیغام انجیل را موعظه می کنید." من پاسخ دادم "درست است." او ادامه داد: "ولی با صدایی بلند و قوی این کار را می کنید. این یک حقیقت است که شما بر موفقیت و پیروزی تاکید می ورزید، چرا که عیسا نیز همین کار را می کرد!" من به سختی می توانستم چیزی دیگر اضافه کنم، فقط گفتم: "همینطور است برادر جان."

کلام خدا موفق می شود!

امروز سنگ ها فریاد بر می آورند! اگر شما فقط بدانید که خدا با شماست، و به شما فرصت هایی مخصوص و از پیش تعیین شده می بخشد وقتی که روح القدس با حضور شیرین خویش و کلام خدا که می تواند با قدرت جاری شود، بر شما می آید، چه خوشی عظیمی خواهید

داشت. پس در آن موقع، حتا یک استاد و پروفیسور صادق و راستگوی مذاهب و الهیات نیز خواهد گفت که عیسا برای ملکوت خدا از موفقیت و پیروزی موعظه فرمود. ما درباره ی چیزهای خیالی و با شکوه، مثل اتومبیل های گران قیمت و یا استخرهای مجلل شنا صحبت نمی کنیم، بلکه درباره موفقیت کلام خدا سخن می گوئیم. این سخنان درباره چیزی است که خدا آن را موفقیت می داند.

یک بار که من تعدادی خبرنگار و گزارشگر خشمگین را در پیش رو داشتم، از خداوند پرسیدم، "موفقیت چیست؟ تعریف تو از موفقیت و پیروزی چه می باشد؟"

خدا پاسخ فرمود: "موفقیت زمانی است که تمام وعده های من و تمام آن چیزهایی که من برای ایمان داران انتظار داشته ام و طرح ریزی کرده ام، در زندگی آنان عینیت پیدا کرده و جامه عمل بپوشد!" کلام خدا موفقیت را به همراه می آورد. اگر شما کلام خدا را داشته باشید؛ برای پیروزی محتاج هیچ کمکی نیستید. اگر کلام خدا و روح خدا را دارید، تمام چیزهایی که خدا برای شما تدارک دیده است، در زندگی تان به واقعیت خواهند پیوست. من ایمان دارم که روح القدس می خواهد در شما عقیده و ایمانی پدید آورد که بر پایه ی آن بدانید که مولود گشته اید تا میوه بیشتری آورید. شما مولود گشته اید تا در هر چه می کنید موفق باشید. عدم موفقیت و ناکامی چیزی غیر عادی برای شما محسوب می شود. طبیعی آن است که هر چه خدا انجام می دهد در بردارنده و قرین پیروزی است، توأم با ثمر آوردن می باشد، و در نهایت منجر به پیروزی مضاعف می گردد. این مسیر عادی و طبیعی زندگی مسیحی می باشد.

شریر و شیطان سعی دارد که ما را در مسیری دیگر به کار گیرد، لیکن الحال روح القدس که دربردارنده مفاهیمی گسترده از آشنایی با ملکوت خداست، می خواهد به جای توجه بر دنیا ما را بیشتر بر محور ملکوت خدا متمرکز فرماید. در ملکوت خدا - جایی که باید در آن جا باشید - خدا موفق است. این حقیقت متعالی باید اطمینان و اعتماد روح شما باشد.

اگر اشتباهی رخ دهد، چه پیش خواهد آمد؟

بیشتر مردم، به ویژه رهبران مسیحی، با ترسی ناشناخته و مزمن از شکستی که مانند خوره به جان آنها افتاده است، دست و پنجه نرم می کنند. آنان از این که آنچه باید باشند، در حالی که نیستند، می ترسند و از این که دیگران آنچه را که خدا به آنها داده بگیرند، در هراس هستند. آنان از این بیم دارند که به وعده های خویش عمل نکنند.

از احساس ترس از شکست بیرون آیید! اگر شما با خدا راه می روید و او نیز با شما همراه است، چگونه ممکن است شکست بخورید؟ شیطان بارها و بارها به شما این کشمکش را خواهد داد که: اگر! شاید! اما! لیکن کلام خدا می فرماید که همه چیز به خیریت و نیکویی منتهی خواهد شد، مشروط بر اینکه با خدا همراه شوید.

ممکن است که این اخطار را شنیده باشید: "اما اگر اشتباهی رخ دهد، آن وقت چه خواهد شد؟ این کار ممکن است اشتباه باشد." آیا این گونه جملات را قبلاً شنیده اید؟ برای اشخاصی که منش فکری این چنینی دارند و این گونه سخن می گویند همه چیز مستلزم اشتباهی است. خیلی پیشتر برای شیطان همه چیز اشتباه از آب درآمده است. او نمی خواهد شما با خدا راه روید؛ پس برای شما ترس و نومیدی را طرح

ریزی می کند، و شما را به چیزهایی که واقعاً از خداست مشکوک می سازد. مردم می گویند: "این کهنه پرستی است، این ره به خطا پیمودن است." ما جرأت و شهادت نداریم زیرا می اندیشیم اگر چیزی اشتباه شود؛ چه خواهد شد؟

نیاز شما پاکی از درون است - منظورم شستشوی مغزی نیست - کاری که دنیا با انسان می کند - بلکه پاکی و شستشوی زبان و فکر، که در اثر آن به راحتی درمی یابید که خدا فرموده است آنچه شما انجام می دهید توأم با موفقیت خواهد بود. عیسا بیشتر از شما طالب و راغب پیروزی شماست. شما باید به پاکی شسته شده باشید و جنگی را بر علیه تمام تفکرات شکست و نومیدی و تیرهای آتشین دشمن که به سوی شما پرتاب می شود اعلام و آغاز نمائید! شیطان به شما می گوید که هرگز به حساب نمی آید، کاری انجام نمی دهید، بی ارزش هستید و چیزهایی از این قبیل. این گونه تفکرات از شیطان می آید و هدف آن متوقف کردن شماست. این چیزها با آنچه در درون شماست منافات دارد. انسانیت درون شما برای پیروزی و برنده شدن متولد شده است.

به خود اجازه ندهید که ترسان و هراسان شوید!

شیطان نیز کلمه "موفقیت" را به کار می برد، اما موفقیت او حرص و طمع است، خودخواهی و تجمل گرایی است؛ و این تعاریف شما را در استفاده از این کلمه گمراه و شاید هراسان می سازد. شاید بهتر باشد که از این کلمه کمتر استفاده شود؛ زیرا شیطان آن را بسیار به کار برده است. شما از به کار بردن این کلمه هراسناک شده اید، و آن هم به علت حقیقتی است که در بسیاری از بخش های کتاب مقدس بیان شده است. (یوشع ۱: ۸ مزامیر ۱: ۳).

شما از به کار بردن کلماتی که با پیروزی مرتبط هستند بیم دارید، زیرا می دانید این واژه ها می توانند سوء تعبیر و سوء برداشت شوند. ممکن است بیشتر خواهان خوشنودی اطرافیان و دنیا باشید تا اعتراف کلام خدا! سوء تعبیر، بد و وحشتناک است. شما نباید پر از ناامیدی و نگرانی باشید. شما باید مملو از حضور خدا باشید! در آن وقت قادر خواهید بود آنچه را منظور نظرتان است شرح دهید. از به کار بردن کلماتی که خدا در کلامش استفاده کرده است، هراسان نباشید؛ از این که یک روزنامه نگار یا گزارشگر و یا یک مسیحی در مورد شما دچار سوء تعبیر شده و شما را بنیادگرا یا کهنه پرست بخواند نگران نباشید. اگر شما آنچه را که خدا فرموده است بگویید پس آنها بوقوع خواهند پیوست.

ما با پیروزی به سر منزل مقصود خواهیم رسید

روح القدس می خواهد شما را با این کلمات تشویق فرماید: "تو موقّق خواهی بود!" ما اکنون در روزهای آخر کلیسا زندگی می کنیم و تصمیم نداریم که به طور اتّفاقی و تلو تلو خوران وارد ملکوت خدا شویم. ما با خداوند و در پیروزی به منزل خواهیم رسید.

این نسل و نژاد نوین نمی تواند شکست پذیر باشد. به همین دلیل است که روح القدس برای ما تعلیمی قوی درباره وفور ثروت، ایمان، اقتدار ایمان دار، دعا، عدالت، شفا، و چیزهای دیگر آورده است. این حقایق به ما می آموزند چگونه می توان هم پیروزی را بدست آورد و هم در چهارچوب آن زندگی کرد. تمام دنیا مهبای شنیدن این حقیقت مطلق است که: عیسا خداوند است!

شریر سعی می کند که ما را در اشتباه و تفکر شکست بیافکند؛ اما

اگر ما در کلام خدا استوار و پایدار بمانیم، اجازه نخواهیم داد چنین چیزی رخ دهد. "هر که از خدا مولود شده است گناه نمیکند." (اول یوحنا ۵ : ۱۸) هر کس که از خدا مولود شده است در گناه زندگی نمی کند زیرا خلقتی نوین دارد. او دیگر طبیعت و ذات گناه آلود ندارد، بلکه روح القدس طبیعت و ذات پاک خدا را در او به ودیعه گذارده است.

بدن ما هنوز هم می تواند مرتکب گناه شود؛ لیکن ما همیشه خون پاک عیسا را خواهیم داشت که در هنگامی که به گناهانمان در حضور خدا اعتراف می کنیم او ما را از تمام عصیان هایمان پاک سازد. (اول یوحنا ۱ : ۹) در چشمان خدا شما مقدس، کامل، عالی و آفریده شده به شباهت او گشته اید. این دیدگاه خدا به شما در مسیح عیسا است. در این زندگی خاکی شما با امکان خطا و حتا انجام گناهان محاصره گشته اید. شما باید هرچه زودتر این اشتباهات و گناهان را به خدا اعتراف نمایید. خون عیسا شما را پاک می کند؛ بنابراین می توانید در هویت خویش به عنوان کسی که گناه نمی کند بلکه مقدس گشته و خالص و بی تقصیر و عادل، به مسیر خود ادامه دهید.

هنگامی که توسط روح القدس رهبری می شوید،

پیروزی را می یابید

"و میدانیم هر که از خدا مولود شده است گنه نمیکند بلکه کسیکه از خدا تولد یافته خود را نگاه میدارد و آنشیر او را لمس نمیکند."

(اول یوحنا ۵ : ۱۸)

هر کس که از خدا مولود می شود روح خدا را دارد. هر کس که روح خدا را دارد توانایی شنیدن کلام خدا را دارد. (امثال ۲۲ : ۳) هر کس که

از خدا مولود شده روح خدا را دارد، آواز شبان نیکو را شنیده و آنها را نگه می دارد و خویشتن را حفظ می نماید؛ پس شریر نمی تواند به او دست درازی کند.

اگر شما و من از روح خدا تولّد یافته ایم؛ همان روح ما را رهبری می فرماید، پس شیطان نمی تواند به ما دست بزند. از آن جا که روح او در ما زندگی می کند، پس ما در هرچه که انجام می دهیم پیروز خواهیم بود. اگر شما صدای خدا را شنیده اید پس می دانید که شیطان هیچکاری نمی تواند برای تغییر فرمایشات خدا انجام دهد. همه چیز همان گونه که خدا فرموده است خواهد بود. اگر شما قادر به شنیدن از آسمان باشید؛ آنوقت می توانید طرح و برنامه خدا را بشنوید، و طبعاً می دانید که برنامه ها و نقشه های وی از پیش مبارک و فرخنده هستند. نقشه های خدا از ازل موقّق بوده اند! خدا هرگز برنامه ای نریخته که فقط در بهشت بنشینند و پس از دو هزار سال بگویند: "آه، عزیزم؛ به نظر نمی رسد که این برنامه درست عمل کند. حدس می زنم که کار دیگری باید انجام دهم. و اگر نشد یک راه دیگر را امتحان می کنم. من پسرم را فرستادم ولی به نظر می رسد که این هم کاربردی و عملی نیست." هر چه که پدر آسمانی طرح آن را ریخته و یا در مورد آن صحبت فرموده است، خجسته و پیروز است. چیزی وجود ندارد که قلب پدر آسمانی به آن راغب بوده ولی مبارک و کارآمد نباشد.

کلام خدا با شریعت و قانون همراه است

"و چنانکه باران و برف از آسمان میبارد و بآنجا بر نمیگردد بلکه زمین را سیراب کرده آنرا بارور و برومند میسازد و برزکرا تخم و خرنده را نان میبخشد. همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد

من بی ثمر نخواهد برکشت بلکه آنچه را که خواستم نجا خواهد آورد و برای آنچه آنرا فرستدم کامران خواهد کردید." (اشعیاء ۵۵: ۱۰ و ۱۱)

باران و برف - همانگونه که آنها را خوب می شناسیم - توسط خدا آفریده شده اند. کسی فکر کرده و برنامه ریخته تا هر قطره باران از آسمان به زمین فرو افتد. هیچ قطره ی بارانی نمی تواند از افتادن خود جلوگیری کند. قطرات باران به زمین می افتند؛ آنها نمی توانند بطرف بالا روند. همه با این عقیده موافقیم که باران از بالا به پایین می بارد. این روشی است که خدا برای باران مقرر فرموده است. باران فقط و فقط بطرف پایین می بارد. چرا؟ زیرا خدا آن را این گونه ساخته است! در این مورد هیچ استثنائی وجود ندارد. این گونه نیست که چند قطره به طرف پایین و چند قطره به سمت بالا ببارند! خیر، همه آنها به سوی پایین می بارند. ممکن است بگویید: "این که خیلی روشن و واضح است". بلی، اما هنگامی که پای مسائل روحانی به میان می آید، برای ایمان داران درک بدیهی ترین امور هم آسان نخواهد بود. پس آنان این حقایق را از دست می دهند. به همین دلیل می خواهم این حقیقت را درک کنید که:

همه ما هم عقیده هستیم که باران همیشه از آسمان به طرف زمین می بارد. این قانون طبیعت است.

وقتی که باران به زمین می رسد کاری انجام می دهد؛ باران وظیفه ای مخصوص به خود دارد. باران دارای یک برآیند است. بسیاری از ما احتیاج داریم که دوباره اشعیاء ۵۵: ۱۰ و ۱۱ را بخوانیم. ممکن است بارها این آیات را خوانده یا شنیده باشیم، لیکن هنوز هم به محتوای این آیات آگاه و واقف نیستیم. این آیات را به دقت خوانده و به آنچه می گوید بیندیشید. در آن وقت است که از درکی درست درباره مفهوم آن

برخوردار و بهره مند می گردید. باران نمی تواند فوراً به آسمان باز گردد، زیرا خدا آن را این گونه طراحی کرده است. برای باران غیر ممکن است که پیش از حصول نتیجه، انجام کارش و موفقیت به جایی برگردد که از آن آمده است! باران باید کارش را انجام دهد. باران مادامی که که کارش را انجام نداده و زمین را سیراب و بارور نساخته، اجازه بازگشت به آسمان را ندارد. این قانون و شریعت خداست. او اجازه نخواهد داد باران تا زمانی که نتیجه نداده است بخار شده و به آسمان برگردد. هر قطره باران به وجود آمده تا چیزی و ثمری حاصل کند.

تمام کلام خدا مبارک است

”و برزگر را تخم و پرنده را نان می بخشد. همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد من بی ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم به جا خواهد آورد و برای آنچه آنرا فرستادم کامران خواهد کردید.“

این وظیفه و عملکرد کلام خداست. به همین دلیل است که این کلام برای خادمین، شنوندگان و به جا آورندگان چنین پر برکت است. بیشتر مردم که کتاب مکاشفه را می خوانند، افسرده و غمگین و ترسان می شوند. من این طور نیستم - من برکت می گیرم زیرا وعده ای را می یابم که در فصل اول به آن اشاره شده است و می فرماید مبارک است آن که نبوتی را که در این کلام است می خواند و می شنود. کلام خدا شما را برکت خواهد داد. شما می توانید کتاب مقدس خود را گشوده و از کتاب اعداد فهرستی از اسامی پی در پی را بخوانید و همچنان برکت بیابید. هر کلمه خدا مانند هر قطره باران است و قادر می باشد ثمره ای در زندگی شما ایجاد نماید؛ زیرا انتظار منطقی این است که هر کلمه در کلام خدا

باید میوه آورد.

”همچنان کلام من که از دهانم صادر کردد خواهد بود. نزد من بی ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم نجا خواهد آورد و برای آنچه آنرا فرستادم کامران خواهد گردید.“ (اشعیا ۵۵: ۱۱)

خدا دستور فرموده است که کلام او نزد وی بی ثمر باز نگردد- هیچ سخن او، هیچ یک از پیمان های او، هیچ کدام از نبوت ها که از درگاه او صادر شده اند و هیچ جزء و فرعیاتی که او فرموده است. بدون نتیجه و بی ثمر نیست. کلمات او پاک و الهی است. آنها ابدی و پر از روح؛ حیات؛ و قوت او هستند. کتاب مقدس می گوید خدا اجازه نخواهد داد هیچ کدام از کلماتش بدون دستاورد به سوی او بازگشت نماید. می دانید مفهوم بی ثمری چیست؟ این واژه به معنای بی میوه و بی حاصل بودن است. خدا از کلامش انتظار محصول دارد که بذر ایجاد کرده و برای خورنده نان به وجود می آورد. و میوه بار آورده و پیروزی را به ارمغان می آورد! درست به همین دلیل کلام او وجود دارد و او اجازه ی نتیجه ی دیگری را نخواهد داد.

بیابان شما می تواند به شکوفه بنشیند

در بیابان هم بذر گیاهان فراوان است. ماسه ها حاوی بذرها ی فراوانی هستند که توسط باد و طوفان از محیط های دیگر به آنجا آورده شده اند. کمی باران می تواند یک بیابان برهوت را غرق در شکوفه و گل کند.

در بیابان خسته کننده، خشک و دشوار پر از خاک اطراف شما؛ مقدار زیادی بذر قبلاً کاشته شده است. فقط نیاز دارید دعا کرده و از روح القدس بخواهید که آمده و بیابان شما را پر از گل و شکوفه و رونق

نماید. کلام خدا بی ثمر برنخواهد گشت. کتاب مقدس می گوید که این کلام بدون محصول و بدون ایجاد اثر و هدفی که برای آن فرستاده شده هرگز بازگشت نخواهد نمود. یک کشیش از دین برگشته و بی خدا و تولد تازه نیافته می تواند در کلیسا ایستاده و موعظه کند؛ لیکن این کار فقط دست و پا زدن بیهوده و پریشانی خواهد بود - کاری که انجام می دهد عاری از هدف است - لیکن پیش از اینکه او سخنان نامفهوم و ژاژ خود را بگوید، ممکن است که قسمتی از کتاب مقدس را قرائت کند. و هنگامی که کلام خدا را می خواند - اگر چه در مورد آن کاملاً بی مورد و نامفهوم موعظه کند - برای شنوندگان این فرصت ایجاد می شود که کلام خدا را بشنوند و آن کلام ثمر بیاورد. کلام خدا بیان شده و حتماً ثمر خواهد آورد؛ نه الزاماً در زندگی خصوصی آن شخص، شاید در کلیسای او هم بی ثمر باشد، ولی کلام گفته شده بالاخره زمانی و در جایی ثمر خواهد آورد. کلام خدا همیشه میوه می آورد.

کلام خدا متعلق به گنجینه و کتابخانه نیست

خدا ۶۶ کتاب را با هم گردآوری نکرده است که آنها را در یک کتابخانه و یا یک موزه نگهداری کند. بسیاری از کلیساها چیزی بیش از یک موزه نیستند که در آنها مدارک وقایع انجام شده توسط خدا در ابتدای پیدایش و آفرینش نگهداری می شود. لیکن ما یک گنجینه و موزه نیستیم. خدا را شکر! ما مردمی هستیم که درباره آنها پیشگویی شده است: "... پیران شما و جوانان شما رویاها خواهند دید." (یوئیل ۲: ۲۸) ما غلامان و کنیزانی هستیم که باید نبوت کنیم. این کلام درباره ی ما سخن می گوید! و کلام خدا از طریق شما و من پیشرفت و تسری می یابد.

شریر از ما می ترسد. هنگامی که شخصی که با خدا راه می رود، صبح از خواب برمی خیزد، تمام هاویه و جهنم بر خود می لرزد: "اوه نه، او دوباره بیدار شد. کمک کنید او دوباره برخاسته است." زنگ های اخطار جهنم به صدا در آمده و می گویند: "دیوها را بیدار کنید، این ایمان داران دوباره آمده اند؛ آنان همیشه منفور و بد هستند. آنها از آنچه دیروز انجام داده اند راضی نیستند. دوباره برای چپاول و غارت آمده اند." اما آیا رخدادهای دیروز باشکوه نبودند؟ چرا، بودند، ولی مربوط به روز گذشته هستند. امروز روزی تازه است. ما زندگی خود را بر پایه دیروز بنا نمی کنیم. کلام خدا امروز پیشرفت و ترقی می کند. امروز روز رستگاری و نجات است. آنچه دیروز اتفاق افتاد عالی و باشکوه بود، لیکن ما تصمیم نداریم برای آن موزه ای باشکوه بنا کنیم. ما برای این کار وقت نداریم. ما نیازمند برنامه ریزی برای آینده هستیم. به جاهای مختلف می رویم؛ و می دانیم که کلام خدا از طریق ما به ترقی می انجامد.

یک کلمه از خدا - دستاوردی بزرگ و کلان

اگر چه بسیاری در مورد این که عیسا واقعاً کیست؛ نظر خاصی ندارند، لیکن حقوق پیامبر چیزی بسیار مهم می گوید: "... مرد عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود." (حقوق ۲ : ۴) از او در سه کتاب عهد جدید روایت شده است: رساله ی پولس به غلاطیان، رساله ی پولس به رومیان، رساله به عبرانیان.

این پیامبر خدا مهمترین حقیقت زیربنایی تمام عهد جدید را اعلام نموده است. او فقط یکی از آن همه پیام آور بود و برای بسیاری از ما حتی تلفظ نام او هم دشوار است. او چیزی فرمود که برای تمام نسل بشر باقی ماند؛ تا این که ناگهان جامه ی عمل پوشید؛ حال ما توسط آن برکت

یافته ایم. شاید شما هیچ نظری در مورد این که یک کلمه از خدا چیست، ندارید. فقط یک کلمه. شما احتیاج به پیشگویی و نبوت طولانی و پر آب و تاب ندارید. بعضی مواقع استدراک ما از واژه ها چیزی است که شیطان و دنیا گلوی ما را برای آن فشار می دهند. ما روزنامه می خوانیم، کتاب مطالعه می کنیم و شایعات بسیار و بی اساس می شنویم. کلمات بدون قدرت و نیرو ارزش چندانی ندارند؛ لیکن فقط یک کلمه از جانب خدا به شما پیروزی را اعطا می نماید، اگر به آن عمل کنید. فقط یک کلمه!

به محض این که خدا در کلیسایمان به ما گفت که فرضی منطقی را بنیاد نهیم؛ نبردی وحشتناک درگرفت. من فقط به خداوند گفتم: "تنها می خواهم بفهمم که این کلام از توست یا خیر." شما نقشه و طرحی را که میلیونها ارزش دارد شروع نمی کنید مگر این که مطمئن شوید خدا از آن پشتیبانی می کند. خدا هم برای تأیید فقط یک کلمه می فرماید: "انجامش بده!"

او نه توضیح می دهد و نه تفسیر و تعبیر و بحث می کند. فقط یک کلمه می فرماید و بر اساس آن یک کلمه می توان شروع به ساخت و اجراء کرد.

دروازه های جهنم قادر نیستند بر ما استیلا یابند، زیرا ما بنای نوین فکری خویش را بر مکاشفه ی الهی و کلام آسمانی بنیاد نهاده ایم. شیطان سعی کرد تا با واژگون کردن چیزهای با اهمیت کشور آمریکا ما را متوقف سازد؛ لیکن کاملاً ناتوان و عاجز بود؛ زیرا وقتی کلام خدا پخش می شود حتماً به هدف متعالی خود نائل می آید.

۲ - اراده ی خدا در خدمت شما،

پیروزی و موفقیت است

"بر دیده بان گاه خود میایستم و بر برج برپا می شوم. و مراقب خواهم شد تا ببینم که او به من چه خواهد گفت و درباره شکایتم چه جواب خواهد داد. پس خداوند مرا جواب داد و گفت رویا را بنویس و آن را بر لوحها چنان نقش نما که دونده آن را بتواند خواند. زیرا رویا هنوز برای وقت معین است و به مقصد می شتابد و دروغ نمی گوید. اگر چه تاخیر نماید برایش منتظر باش زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود. اینکه جان مرد متکبر در او راست نمی باشد اما مرد عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود." (حقوق ۲: ۱-۴)

اگر شما طالب خدا باشید، او با شما صحبت خواهد کرد. هنگامی که شما او را می جوئید؛ او به شما جواب خواهد داد. همیشه این گونه است! و وقتی که او پاسخ می دهد، کلام او مبنای پاسخ وی است. این همسایگان و اطرافیانتان نیستند که آن موضوع را بیان می کنند؛ نه همسرتان؛ نه کلیسایتان، نه رسانه ها، آنها نیستند که به شما می گویند. مهم چیزهایی هستند که خدا می فرماید نه هیچ کس دیگر.

"پس خداوند مرا جواب داد و گفت رویا را بنویس و آنرا بر لوحها چنان نقش نما که دونده آنرا بتواند خواند."

خدا از شما می پرسد: "چه دیده ای؟" آنچه شما در قلمرو روحانی مشاهده می کنید، همان مهم و زیربنایی است. درباره ی آنچه ندیده اید نگران و ناامید نباشید. در مورد این که فرشتگان به چه شباهت دارند یا مفهوم اصلی آیات کتاب مکاشفه و دانیال که آنها را درست درک نمی

کنید نگران نباشید.

آنچه را که می فهمید از همه چیز مهمتر است

من از آنچه درک نمی کنم نگران نیستم. به چیزهایی که آنها را درک می کنم خیلی مشغول و سرگرم هستم. مهم چیزهایی هستند که خدا به شما فرموده است و یا به شما نشان داده است. و او بالاخره به هر یک از ما چیزی را نشان داده است. این را بنویسید! آن را در جایی بوضوح و روشنی نقش کنید.

"مکاشفه" را بر "الواح بزرگ" ثبت کنید، آن را طوری بنویسید که هر کس بتواند آن را دیده و بخواند!

می دانید چرا خدا چنین چیزی را امر فرموده است؟ زیرا در آن لحظه که خدا با شما صحبت کرده است، شیطان سعی می کند آنچه را خدا به شما فرموده، بدزدد. به مجرد این که پدر فرمایشات خود را تمام می کند و مکاشفه از آسمان می رسد، ابلیس و اژدها به طرف آن می خزد. اولین چیزی که او به شما می گوید چیست؟ دقیقاً همان چیزی که به آدم و حوا گفت: "آیا خدا حقیقتاً گفته است." (پیدایش ۳: ۱) هنگامی پدر با عیسا صحبت فرمود: "این است پسر حبیب من که از او خوشنودم." (متی ۳: ۱۷)، شیطان تلاش کرد تا فوراً او را به چالش وادارد: "اگر پسر خدا هستی...؟" (متی ۴: ۳)

لیکن عیسا نیاز ندارد چیزی را اثبات فرماید. او بطور مطلق می دانست که پسر خداست.

من احتیاج ندارم ثابت کنم که انسان هستم! من یک انسانم! پسر خدا را لازم نبود که اثبات فرماید به راستی پسر خداست. او از ازل می دانست که پسر خداست. او از خدا مولود یافته و توسط روح القدس مسح

شده بود و پدر فرموده بود: "اینست پسر عزیز من" و شیطان به او چه گفت؟ اگر تو پسر خدا هستی... واژه ی اگر نشانه ی تردید است. اگر تو پسر خدا هستی این را اثبات نما. اگر تو توسط خدا مسح شده ای آن را نشان بده. اگر تو واقعاً یک واعظ هستی آن را ثابت کن. اگر تو یک رهبر بزرگ روحانی می باشی آن را به نمایش بگذار. اگر تو واقعاً خوانده شده ای تا شبان باشی آن را ظاهر کن. اگر تو چیزی از خدا داری آن را بنما. شما احتیاج ندارید که چیزی را اثبات کنید! شما هرگز نیاز ندارید که خود را در پیش دیگران اثبات کنید. یک درخت سیب پر میوه هرگز احتیاج ندارد که خود ستایی کرده و بگوید: "مرا بنگرید؛ من یک درخت سیب هستم." میوه های آن درخت اثبات می کنند که یک درخت سیب است. اگر شما بیاستید و فریاد زنید: "من یک درخت موز هستم" اما اگر هیچ موزی تولید نکنید، جایی از کار اشکال دارد. شما احتیاج ندارید پیشگویی کنید که یک درخت موز هستید. ما فقط نگاه می کنیم تا ببینیم آیا شما واقعاً موز تولید می کنید یا خیر... درخت از میوه اش شناخته میشود." (متی ۱۲: ۳۳)

با کلام خدا گزینشی برخورد نکنید

روای خود را به دقت شرح دهید و با این کار می توانید بفهمید خدا به شما چه گفته است. این موضوع حیاتی و مهم است؛ زیرا به محض آن که خدا با شما شروع به صحبت می فرماید؛ شیرر سعی می کند تا آنچه را که خدا فرموده بدزد و محو کند. (مرقس ۴: ۱۵) او در این راه از روش های مختلفی استفاده می کند! او از تردید و شک استفاده می کند. او حتا می تواند همسایه ی نزدیک شما را در این راه به کار گیرد. به یاد می آورید که پطرس اعتراف کرد عیسا همان مسیحای موعود

است؟ (متی ۱۶: ۱۶) درست نیم ساعت پس از این اعتراف پطرس گفت: "حاشا از تو ای خداوند که به اورشلیم رفته و بمیری". عیسا او را از خود راند و یکی از نزدیک ترین دوستان خود را مورد شماتت و نکوهش قرار داد: "دور شو از من ای شیطان زیرا که باعث لغزش من میباشی زیرا نه امور الهی را بلکه امور انسانی را تفکر میکنی." (متی ۱۶: ۲۳)

توجه کنید که عیسا نگفت: "آه، واقعاً این گونه است؛ پطرس؟ یعنی تو فکر می کنی من نباید به اورشلیم بروم؟ یعقوب تو چه فکر می کنی؟ تو هم با پطرس موافقی؟ خوب؛ البته معمولاً شما با یکدیگر هم عقیده هستید. تو چطور یوحنا؛ تو چگونه می اندیشی؟ و یهوذا نظر تو در این باره چیست؟ بیاید رأی گیری کنیم تا معلوم شود باید به اورشلیم برویم یا خیر. چند نفر از شما می خواهید به اورشلیم آمده تا مصلوب شدن مرا تماشا کنید؟

هنگامی که کلامی از آسمان نازل می شود شما نمی توانید برای آن همه پرسى نمائید. کلام خدا هرگز نیازمند آراء عمومی نبوده، نیست و نخواهد بود.

در قلمرو سیاست؛ مردم سالاری بسیار معنا دار است، به این دلیل که از آزادی های فردی حمایت می کند. این موضوع خیلی اهمیت دارد. لیکن در ملکوت خدا "مردم سالاری" به معنای این است که همه ما در پیشگاه خدا برابر و مساوی هستیم. این یک "مردم سالاری مستقیم و خالص" در ملکوت خداست. خدا با هر یک از ما سخن می گوید و همه ما را دوست دارد و می خواهد هر یک از ما را برای مقاصد مقدس خود بکار گیرد. او آزادی و برکات خود را به همه ما می بخشد.

شما موظف به انجام فرمایشات عیسا هستید

خدا آنچه را که از شما می خواهد به شما فرموده است و این مسأله نیاز به انتخاب و همه پرسى ندارد. دیگران نمى توانند آنچه را خدا به شما فرموده و برای آن فراخوانده گزینش کنند. اگر آنها در مقصد خود موقت شوند آنوقت شما از دیدگاه خدا شکست خورده اید و به عوض این که خادم خدا باشید، در جهت ارضای مردم گام برمی دارید. توصیه پذیر بودن از همکاران و دوستان خوب است، اما این موضوعی کاملاً متفاوت است. شما باید به دیگران احترام بگذارید و نسبت به همه گشاده رو باشید، لیکن هنگامی که سخن از فرمان خدا به میان می آید، این کلام اوست که از هر چیز دیگر مهم تر و لازم الاجراتر است.

هنگامی که می فهمید خدا چه گفته است، آن را یادداشت کنید و به خاطر بسپارید. روزهایی می آید که شیطان شما را وادار می کند تا هر کاری انجام دهید، به جز آنچه خدا به شما امر فرموده است. مردم عقاید خود را بیان می کنند و بر علیه آنچه شما برای اطاعت از کلام خدا می کنید و می خواهید بر طبق رویایی که خدا به شما عطا کرده سلوک نمائید، توصیه مخالف و نادرست به شما می دهند. ناگهان شما را دشمن خود می انگارند و در آن وقت شما برای اطاعت از کلام خدا جفا خواهید دید (مرقس ۴ : ۱۷) هنگامی که کلام خدا در قلب شما ریشه عمیق و مستحکم دارد - که بسیار با شکوه هم هست - شما جفا خواهید دید!

به همین دلیل است که برخی مردم کتاب مقدس خود را در زیر بغل خود پنهان می کنند. آنان می دانند که اگر کاملاً از فرمایشات عیسا پیروی و اطاعت کنند، همسایگانشان، دوستانشان، اقوام و خویشان، شبانان و برادرانشان به ضد آنها خواهند برخاست. پس به خاطر ترس از

انسان، عقب می کشند و بجای همراهی با عیسا مسیح عقب نشینی می کنند.

لیکن شما و من فرا خوانده شده ایم تا با عیسا راه رویم و کلامی را دریافت نماییم که او می فرماید و همچنین میوه ی بیشتری آوریم و منشأ برکت عظیمی برای اطرافیان خود باشیم. بنابراین از این که مردم در برابر کلام خدا ایستادگی می کنند، نهراسید. فقط آنها را برکت دهید؛ با آنها شادی کنید و خوشحال و پر از عشق و محبت باشید. اما در عین حال اطمینان حاصل کنید که آنچه را عیسا فرموده، انجام می دهید. آنها را بنویسید و بیاد داشته باشید، در آن وقت خواهید فهمید خدا چه فرموده است. شیطان سعی خواهد کرد یا فرمایشات خدا را بر باید و یا چیزی بر آن بیافزاید. هر دوی این تله ها بسیار خطرناک هستند.

داشتن عقیده خوب کافی نیست

در کلیسایمان، خدا ما را فراخواند تا کارهای مشخصی انجام دهیم. او به ما فرمود یک آموزشگاه کتاب مقدس؛ یک کلیسا؛ یک بنگاه انتشاراتی؛ یک مدرسه مسیحی و چند کار مختلف دیگر را شروع کرده و انجام دهیم. ما کاملاً به انجام آنچه خدا دستور فرموده بود ملزم شده بودیم. ممکن بود شخصی پیش آمده و بگوید: "چه خوب، پس شما یک مدرسه مسیحی را به راه انداخته اید؟ عقیده بدی نیست فکر می کنم ما هم همین کار را بکنیم." این یکی از خطرناک ترین کارهایی است که شخص می تواند انجام دهد. مخاطره آمیز ترین کاری که شما می توانید انجام دهید این است که قصد داشته باشید کاری را برای دو هدف مشخص انجام دهید: ۱- شخصی دیگر هم همین کار را انجام می دهد - منظور چشم و هم چشمی است که نوعی خودکشی است. ۲- برای این

کار نیاز شخصی و میل خصوصی وجود دارد.

یک مرکز بازپروری و بازتوانی معتادان به مواد مخدر را صرفاً به این دلیل که تعداد زیادی معتاد در جامعه وجود دارند، باز نکنید. کاری را انجام دهید که خدا به شما فرموده است. اگر خدا کاری را به شما محول نکرده است؛ شاید به این دلیل است که در آن برای شما فایده ای موجود نیست! شما از آسمان؛ قدرت، مسح و حکمت لازم را برای آن کار نخواهید داشت. شما همیشه زنده نخواهید بود. شما مانند شخصی تازه نجات یافته هستید که سعی دارد به یک الکلی خطرناک شهادت و بشارت دهد و او را کمک نماید. وی به این دلیل که برای آن مشروب خوار ناراحت و متأسف است و شعور و غرایض انسانی و فطری او به جوشش آمده است این کار را می کند. لیکن ما نمی توانیم فقط توسط غرایض و عواطف انسانی خویش رهبری شویم. ما توسط احساساتمان کنترل و هدایت نمی شویم، بلکه به وسیله روح القدس رهبری و راهنمایی می شویم.

به احساساتتان اجازه ندهید شما را رهبری و هدایت کنند
یک بار دو مبشر به گوآتمالا رفته بودند. یکی از آن دو مردی کهنسال و باتجربه بود و دیگری جوانی تازه کار و پرشور. یک روز آنها در جاده ای جنگلی مشغول رانندگی بودند که به اتوبوسی برخوردند که در گودالی ژرف فرو رفته بود و چند نفر با زخم هایی مهلک و جراحاتی عمیق روی جاده افتاده بودند. مبشر جوان که پر از غیرت برای خداوند بود به مبشر پیر گفت: "ما باید بایستیم و به آنان کمک کنیم." مبشر پیر جواب داد: "ولی نه به قیمت جان!" و پدال گاز را تا آخر فشرد. مرد جوان فکر کرد که این سردترین و غیرمسئولانه ترین واکنشی است که

تا به حال دیده است. او از مبشّر پیر پرسید: "مگر تو احساس و عواطف نداری؟" آن پیرمرد جواب داد: "چرا، ولی تحت کنترل آنها نیستیم. من توسط روح القدس هدایت می شوم."

آنچه واقعاً در آنجا رخ داده بود این بود که وقتی آنها صحنه تصادف را دیدند؛ روح القدس با مبشّر پیر صحبت کرد و فرمود: "اینجا توقف نکنید؛ این یک کمین و دام است. اگر بایستید هر دو قربانی خواهید شد." مبشّر پیر پدال گاز را تا آخر فشرد و از آنجا دور شد و جان خود و آن مبشّر جوان و احساساتی را که می خواست بایستد و کمک کند نجات بخشید. هرگز به احتیاج ظاهری عکس العمل نشان ندهید، بلکه به ندای روح القدس واکنش مثبت نشان دهید. هرگز کاری را صرفاً به این دلیل که خوب به نظر می رسد انجام ندهید؛ بلکه به دلیل آن که خدا فرموده است کاری را شروع کنید.

پس آیا ما نباید برای دیگران دلسوزی و شفقت داشته باشیم؟
"آیا مسیح واقعاً برای مردم دلسوزی می کرد؟" این پرسشی است که ممکن است به ذهن شما خطور کند. بلی، او این گونه بود، ولی این موضوع کاملاً متفاوت است. من این گونه هستم. محبت خدا در تمام قلب من به وسیله ی روح القدس که در من زندگی می کند ریشه دوانیده و مسکن گزیده است. واکنش من به آنانی که در رنج و سختی هستند؛ توأم با شفقت و دلسوزی است. من می خواهم به کمک آنان بشتابم؛ لیکن چگونه، کجا و چه وقت؟ این موضوعی است که توسط روح القدس تعیین می شود. آیا این را درک می کنید؟ اگر می خواهید موفق شوید، باید تحت هدایت روح القدس قرار گیرید. و اگر می خواهید شکست را تجربه کنید، بگذارید توسط افکار خود، احساساتتان، یا هر چیز دیگر

رهبری و کنترل شوید. درست نیست که تحت تأثیر و هدایت احساساتتان قرار گیرید؛ به ویژه اگر شما یک رهبر هستید، تنها باید توسط آنچه خدا به شما امر می فرماید کنترل و هدایت گردید. شما حکم نیافته اید تا با افکار زیادی سرگرم و سرگردان شده و در پی انجام کاری باشید که به نظر میرسد ممکن است درست باشد. شما فقط باید به آنچه خدا فرموده است عمل کنید.

برنامه ها، الهامات و رویاهای خدا از پیش مبارک هستند و از همان لحظه ای که شما پای در این ره می نهید، موققت و نیز مخالفت و عناد را هم تجربه خواهید کرد! شریر آماده شده تا وقفه در کلام خدا بیافکند، لیکن اگر شما این کلام را به دل راست و صادق نگه دارید، آن کلام در زندگی شما جوانه زده و ثمر خواهد آورد: سی برابر، شصت برابر و یکصد برابر. (مرقس ۴: ۲۰)

زمان درست و راه درست

حقوق به سخنان شیرینش ادامه می دهد: "زیرا رویا هنوز برای وقت معین است." (حقوق ۲: ۳)

به صرف این که چیزی از خدا دریافت کرده اید، نمی توان گفت باید حتماً آن را امروز انجام دهید. یافتن چیزی از آسمان دال بر این نیست که آن چیز باید همین فردا به واقعیت مشهود بپیوندد. خدا جاودانی است و از چشم اندازی جاوید با ما صحبت می فرماید. بنابراین حقیقت این است که، ممکن است سال ها طول بکشد که چیزی به واقعیت تبدیل گردد. هنگامی که جوان هستید، به سادگی ممکن است از آنچه خدا هنوز نگفته است نا امید و سرخورده شوید. هنگامی که خدا به شما امر می فرماید تا کاری انجام دهید؛ نیاز است که برسید: "چه وقت و چگونه

باید آن را انجام دهم؟ و با چه کسی باید کار کنم؟" زیرا هنگامی که خدا می فرماید که کاری انجام دهید؛ شیطان آمیخته با دروغ به شما خواهد گفت چه موقع، چگونه و با چه کسی باید کار کنید. بسیاری از الهامات و رویاهایی که خدا می بخشد از همین طریق روانه نابودی و هلاکت می شوند. اگر شما سعی کنید کاری را پیش از موعد مقرر انجام دهید؛ این تلاش حتماً در نهایت شکست خواهد خورد. اگر شما کاری را با روش هایی غیر از روش های مورد نظر خدا انجام می دهید، مطمئن باشید که شکست در انتظارتان است. این مطلب زمانی که با افرادی کار می کنید که پر از ترس و نومییدی هستند و فقط فکر و رویای شما را به سوی سوق می دهند که می انگارند بهترین مسیر ممکن است، نیز صادق است. نگاهی به شاگردان عیسا در ابتدای کار ببندازید. آنان همیشه از وقایع اطرافشان هراسان و نگران بودند.

چه کسی شما را کمک خواهد کرد؟

اگر می خواهید کارتان را با گوش کردن به آنچه دیگران می گویند شروع نمائید، بهتر است همین حالا دست از کار بکشید. اگر شما خوانده شده اید که کلیسایی را رهبری کنید، گروهی را هدایت کنید و یا از این قبیل کارها، پس افرادی که با شما کار می کنند در واقع یاران شما هستند. ولی یاری دهندگان می توانند به سادگی بدل به اشخاصی دست و پا گیر شوند، اگر شروع به حکمفرمایی کرده، بر شما تفوق یافته و برای شما و به جای شما تصمیم گیری نمایند. از آنجا که شما شخصی هستید که رویا و الهامی را از خدا دریافت کرده است، پس خود شما مسئول به ثمر رسیدن و انجام کامل آن می باشید. خودتان مسئول هستید و نه هیچ کس دیگر. وقتی به ملکوت می روید، مجبور خواهید بود برای آنچه

عیسا شما را به آن امر فرموده بود حساب پس داده و پاسخگو باشید. او افرادی را در مسیر شما خواهد گذاشت تا به شما کمک کرده و شما را در کارهایتان اعانت کنند و از آن رویا و الهام الهی محافظت کنند. این افراد تمام تلاش خود را به کار خواهند بست تا شما را مطمئن سازند که کلیسایی و یا سازمانی را که شکل داده اید، دقیقاً همان چیزی است که خدا فرموده است، بیشتر از این کاری نمی توانند بکنند. این فقط یک پرسش درباره بیانات خدا نیست، بلکه سؤال از زمان، چگونگی و افراد مرتبط با کار خداست که باید انجام گردد.

اگر شما در درون خود احساس نامتعارفی در مورد یکی از همکاران خود دارید، باید آن را با وی در میان بگذارید، حتا اگر حس می کنید دلیلی طبیعی و عادی برای این هشدار ندارید. شما باید با افرادی کار کنید که به کار و تلاش شما ایمان داشته باشند. اگر این گونه نیست، بگذارید آنان به کاری دیگر مشغول شوند.

چیز دیگری که شما احتیاج دارید این است که نیاز به گروهی از مشایخ و افراد ارشد دارید که با وفاداری، دائماً با شما مناظره کرده و درباره آنچه ممکن است مرتکب خطا شوید به شما هشدار می دهند. بالاخره یا شما باید بپذیرید که مرتکب اشتباه شده اید و یا آنها باید بپذیرند که در مورد شما اشتباه فکر می کرده اند. با افرادی کار کنید که ایمانی مشابه، قلبی هماهنگ و عقایدی یک رنگ داشته و در همان مسیر حرکت شما حرکت کنند. در این صورت شما موفق خواهید بود. خدا شما را با افرادی دربر خواهد گرفت که شاید از خود شما هم ماهرتر و چیره دست تر باشند. به همین خاطر است که خدا آنها را به سوی شما رهنمون می سازد. اگر سعی کنید آنها را عقب نگه دارید یا کار آنها را هم

خودتان انجام دهید، بدانید که جایی از کار اشتباه است. آنان بهتر از شما خواهند بود. آنها همان رویای شما را خواهند گرفت و خواهند گفت: "این از خداست. این از جانب خدا مسح شده است. و این چیزی است که ما می خواهیم باشیم."

اگر شما یک رهبر مسیحی هستید و چیزی از خدا یافته اید، احتیاج دارید نزد خدا دعا کرده و به فرشتگان بگویید: " بروید و برای من یاری دهندگانی آورید که آنچه را برای آن خوانده شده ایم انجام دهیم و بتوانیم آن را بر روی زمین پیاده کرده و محقق سازیم. " در این صورت شما پیروز و موفق خواهید بود.

خدا مشتاق است که عملی شدن رویا را بنگرد

حتی اگر رویایی مجبور است که منتظر وقوع بماند - زیرا هر رویا زمان وقوع خویش را دارد - با این حال مشتاق عملی شدن است. رویا همیشه اشتیاق به وقوع دارد. خدا مشتاق موقّیت است. او طالب و راغب به ثمره و میوه است. خدا خواهان پیروزی است. وی مشتاق نجات مردم می باشد. خدا دوست دارد که مرده برخیزد. خدا آرزومند شفای مردم و علامات معجزه آسا و وقوع عجایب است. خدا میل دارد مشاهده فرماید آنچه در کلامش فرموده بر زمین جاری و عملی گردیده است. اما در عین حال وقت هایی است که شما باید آرام بگیرید، درست همان گونه که اوقاتی هستند که شما باید گام در راه نهمید. برنامه زمان بندی خود را دنبال نکنید، بلکه در صدد پیروی از برنامه خدا باشید.

آمادگی شما، آینده شما را تعیین می کند

هر فراخوانی، زمان آماده گشتن خویش را دارد، دوره ای برای آماده شدن و دوره ای برای گسیل داشتن. اگر شما در حال آماده شدن هستید، ادای رسول بودن را در نیاورید. وانمود نکنید که آماده اعزام هستید! مقدار زمانی را که صرف آمادگی می کنید، تعیین خواهد کرد در آینده موفق خواهید بود یا خیر. بنابراین شما نیاز دارید مقدار زمانی مناسب را در دعوت خویش به جهت آمادگی صرف کنید. روپا و بصیرت خدایی نیازمند وفاداری در آن است و حتماً بوقوع خواهد پیوست و در وقت مقرر درنگ نخواهد نمود. بدبینان و هزیمت گرایان، پیروان مکتب حاشا و انکار باید به کناری بروند، زیرا آنچه خدا فرموده، حتماً بوقوع خواهد پیوست. کتاب مقدس می گوید آنچه خدا فرموده است، حتماً خواهد شد.

بنابراین چرا این قدر عصبی هستید؟ چرا از شکست می هراسید؟ چرا از حس طرد شدگی تا این اندازه پریشان گشته اید؟ اگر سخن خدا را شنیده باشید، پس آنچه او فرموده است قطعاً رخ خواهد داد. آنها طوری اتفاق می افتند که خدا امر فرموده است. اگر شما به آنچه خدا فرموده ایمان داشته باشید، تمام آنها به واقعیت خواهند پیوست. اگر چه درنگ باشد، برای آن منتظر باش؛ زیرا مطمئناً خواهد آمد و هرگز شکست نخواهد خورد!

آنچه خدا فرموده است، غیر قابل شکست است

" این که جان مرد متکبر در او راست نمی باشد اما مرد عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود." (حقوق ۲: ۴)

اگر شما و من به آنچه خدا به ما گفته است ایمان داشته باشیم و آن را از وی دریافت کرده باشیم، کلام و فرمایشات او در زندگی های ما پیشرفت خواهد کرد. با وجود این که این پیشرفت نیازمند زمان است، لیکن حتماً کامیاب و موفق خواهد گشت. آنچه خدا به ما فرموده است هرگز شکست پذیر نیست. اگر خدا فرموده است - منظورم در اینجا چیزی است که در سوئد اتفاق افتاده است - که تمام کشور توبه خواهند کرد و مراحل نوینی از روحانیت، مدنیت و سیاست را آغاز خواهند کرد، پس مهم نیست که شیطان و دیوهای او چه می گویند. به رغم کینه و بدخواهی آنان این رویا روزی جامه عمل می پوشد! اگر چه تأخیر می شود، لیکن رویا و کلام خدا، در خود تمایل و قدرت دارد که بالاخره به بار بنشیند! این رویا و کلام هرگز شکست نمی پذیرد.

شیطان تا به سر حد مرگ از شما خواهد ترسید هنگامی که بفهمد دانسته اید کلام خدا عملی خواهد گشت. ممکن است تصور کنید که رویا و مکاشفات و پیروزی ها، جالب و با شکوه هستند، لیکن اگر پس از دریافت، آنان را به بوته فراموشی بسپارید، هرگز حریف شیطان نخواهید شد. اما اگر شریر بفهمد که شما دانسته و باور کرده اید که کلام خدا به انجام و مقصد می رسد، از شما خواهد ترسید. در این صورت شما جنگ افزاری را بدست گرفته اید که شما را توانا می سازد تا شیطان را به زمین بکوید! او را به پس برانید، او را نهیب داده و در دریا افکنید. او می داند شکست خورده است.

آن گاه که به یقین می دانید

هنگامی که شیطان می فهمد شما متقاعد شده اید که او شکست خورده است، پیروزی را در آغوش گرفته اید، لیکن مادامی که او می

انگارد شما از شکست او نامطمئن هستید، برگ برنده در دست اوست. هنگامی که او درمی یابد شما دانسته و باور کرده اید او را در زیر پایهای خود دارید، و کلام خدا به اجرا گذاشته خواهد شد، او کاملاً شکست خورده و درمانده می شود. اصلاً مهم نیست که او چه می گوید یا چقدر جیغ و داد می کند و به بالا و پایین می جهد. زمانی که ما تحت فشارهای زیادی بودیم، یکی از همکاران گفت: "بنظر می رسد شیطان یک گل مسلم را از دروازه بیرون کشیده است." گاهی اوقات تیم در حال باخت هاکی روی یخ، با تلاشی مذبوحانه سعی می کنند با حرکت دادن دروازه بان خود در زمین، نتیجه را به سود خود عوض کنند. این درست همان کاری است که شیطان در این دنیا انجام می دهد. او نیز دروازه بان خود را در زمین به کار گرفته است. او آشفته و درمانده شده است و نمی داند به کدام سو حرکت کند. نتیجه به سود تیم مقابل است که می بیند حریف دروازه بان را از محل اصلی بیرون کشیده است و حال دیگر گل زدن به حریف آسان است. حرکت دادن بی مورد دروازه بان کاری بس نابخردانه و زیان بار است. اگر چه به نظر می رسد بازیکنان حریف از یک بازیکن اضافه بهره می گیرند ولی در واقع بسیار آسیب پذیر گشته اند. دروازه ی آنان بی سنگربان و ضربه پذیر گشته است؛ به ویژه هنگامی که روح القدس شما را می فرماید که چگونه، چه موقع و کجا ضربه را وارد آورید.

اما خدمتی به من سپرده نشده است!

ممکن است بگویید: "من هیچ خدمت و رویای خاصی از جانب خدا ندارم. صادقانه بگویم من واقعاً نمی دانم آیا خدا به من گفته که کلیسایی را شروع کنم یا خیر." خدا امروزه به خیلی ها این دستور را می فرماید! او

با مردم درباره کلیسا در تمام دنیا سخن می گوید. در این موضوع هیچ اشتباهی نیست، مشروط بر اینکه خدا خود به ما فرموده باشد این کار را انجام دهیم.

اما چه باید کرد اگر او درباره هیچ چیز خاصی با شما صحبت نکرده باشد؟ در این وضعیت چه باید کرد؟ شما باید به اشخاصی کمک کنید که خدا با آنها صحبت فرموده است. در خانه ننشینید و نگویید: "من نمی توانم درگیر انجام کاری شوم، زیرا من از سوی خدا هیچ چیزی ننشیده ام." خود را را درگیر کاری نمایید که در حال انجام است. ببینید که مسح و تقدیس در کجاست؟ کلام خدا در کجاست؟ کجا می توان مرد یا زنی را یافت که دارای الهام و دید خدمت باشد؟ به جایی روید که می توانید آن شخص را کمک کنید، به آن شبان کمک کنید، به آن مبشر کمک کنید، به نبی خدا کمک کنید، معلم کلام خدا و یا هر شخص خادم دیگر کمک کنید! به شخصی کمک کنید که خدا او را برای خدمت و کار دعوت کرده است. وقتی شما شروع می کنید و سرگرم می شوید تا به آن شخص کمک کنید، در نهایت با رویاهای آنان یک رنگ خواهید شد، با این تفاوت که این رویای شخصی آنان است و نه رویای مخصوص به شما. و بنابراین نمی توانید این رویا را به انحصار خویش درآورده یا آن را منحرف ساخته و تغییر دهید. شما فقط یاری دهنده در راستای تحقق آن رویا هستید و عیسا فرموده است اگر شما در اشتیاق و تمایلات و اختیارات دیگران وفادار و امین باشید، بر اختیارات و کارهای خود هم اعتماد و توکل پیدا خواهید کرد. ممکن است هنوز وقت آن نرسیده باشد که شما از خود رویایی داشته باشید و بخواهید آن را جاری و محقق سازید. برخی تلاش می کنند تا به خدمتی بزرگ مشغول شوند. مانند

بچه ای که سعی می کند تا لباس و کفشهای پدرش را بپوشد، و نتیجه ی کار مضحک و خنده دار خواهد بود. در زیر تمام آن مسئولیت ها و کارهای بزرگ چیزی نیست جز صدایی حقیر، ضعیف و لرزان که به ناتوانی اعتراف می کند. وقتی شما چیزی از خویش و برای خود داشته باشید، زمان کار شما هم فرا خواهد رسید، لیکن تا رسیدن آن زمان شما باید نسبت به آنچه دیگران دارند وفادار و صادق بمانید.

خدا در جستجوی وفاداری و امانت است

خدا به دنبال این است که ببیند آیا شما یک خادم وفادار و صادق هستید یا خیر. او دنبال خدمتکاران باوفا می گردد. (قرنتیان ۴ : ۲)

هنگامی که خدا صداقت قلب شما را در مقام یک راهنما و پیش قراول می بیند، هنگامی که درستکاری شما را در بشارت انجیل مشاهده می فرماید، وقتی که می بیند شما در کمک رسانیدن و سرگرم کار بودن وفادار هستید، خواهد فرمود: "من می توانم به این شخص اعتماد کنم. من این فرد را می خواهم." در آن موقع او قادر خواهد بود از شما استفاده کرده و زمان برای شروع خدمت شخصی خودتان آغاز خواهد گردید. مهم نیست اگر حتی سال ها طول بکشد، شما در این روند مبارک هستید. اما اگر سعی کنید در کاری وارد شوید که زمان آن برای شما نرسیده است، هرگز برکت نخواهید یافت. غرور، پوچی و خودبینی بیهوده خواهد بود اگر بگوییم: "چون کسانی دیگر هم این کار را انجام می دهند، پس من هم آن را انجام می دهم." به جای این کار، مشغول خدمت و یاری رساندن به دیگران شوید - زندگی خود را برای دیگران بدهید!

"زیرا کسی دیگر را همدل ندارم که به اخلاص درباره شما اندیشد.
زانرو که همه نفع خود را می طلبند نه امور عیسی مسیح را."
(فیلیپیان ۲: ۲۰ و ۲۱)

اگر شما برای شخصی تیموتائوس باشید، اگر ایلیا و الیشع شوید، و اگر برای موسی، یوشع باشید، طولی نخواهد کشید که در همان خدمت وارد خواهید شد و یا حتا مسئولیتی بزرگتر و خطیرتر را بر عهده خواهید گرفت.

لیکن اگر از کمک به دیگران سرباز زنید و ترجیح دهید که همان خدمت و مسئولیت کوچک خویش را داشته باشید، در آن هنگام همان گونه که کلام خدا می فرماید، کسی که زندگی خود را برهاند آن را از دست خواهد داد. (لوقا ۹: ۲۴) اگر شما زندگی خود را برای خدمت و برکت دیگران فدا کنید، روزی خدا شما را بلند خواهد کرد و خواهد فرمود: "حال که آزموده شده ای، دیگر آماده گشته ای و زمان آن رسیده که تو را بفرستم." شما پاسخ خواهید داد: "خداوند! تو را شکر می کنم که در خدمت تو هستم، مرا بفرست!" در آن زمان کلام خدا پر از پیروزی و موفقیت خواهد گردید و تمام مردم دنیا عیسا را خواهند دید، زیرا شما مطیع چیزهایی هستید که او به شما امر فرموده است.

با صدای بلند بگویید:

پدر، تو را شکر می کنم که محکوم به پیروزی هستم؛

خوانده شده ام تا میوه آورم؛

سرنوشتم تسخیر و فتح است؛

مقرر شده ام تا موفق باشم. در نام عیسا، آمین.